

بررسی علل اقتصادی کاهش کشت پنبه در شهرستان ورامین

شهلا خان احمدی

مقدمه:

در فعالیتهای اقتصادی انگیزه مدیر تولید افزایش و یا به حداکثر رساندن سود واحد تولیدی است. در تولید کشاورزی مدیریت تولید با نیروهایی که همیشه در حال تغییرند و تا حد زیادی هم خارج از کنترل هستند روبه‌رو است. برای مقابله با این تغییرات مدیر تولید علاوه بر آگاهی بر جنبه‌های فنی تولید در مزارع، باید دانش بنیادی اصول اقتصادی تولید را نیز داشته باشد. یک کشاورز مثل هر تولیدکننده دیگر، یک مؤسسه اقتصادی را اداره می‌کند و هدف او تداوم فعالیتش می‌باشد. بنابراین به طور کامل متوجه هزینه‌های نهاده‌ها و قیمت محصولات تولیدی است. روشهای رسیدن به هدف تا اندازه زیادی تحت تأثیر شرایط فیزیکی و محیطی و شرایط اقتصادی تغییر می‌کند ولی در نهایت هدف اصلی تولیدکنندگان تحصیل سود بیشتر و کاهش ریسک و به حداقل رساندن نوسان درآمد سالانه است. تا بدین وسیله سرمایه و موجودیت بهره‌برداری وی دوام بیشتری داشته باشد. بنابراین با توجه به کسب سود بیشتر، واحد کشاورزی، نهاده‌های تولید از جمله آب، کود، بذر، کارگر، ماشین‌آلات و سم را به نحوی به تولید اختصاص می‌دهد که به این هدفها برسد.

هدف این طرح بررسی عواملی است که سبب شده زارعین جهت ماکزیمم کردن سود واحد تولیدی خود محصولات صیفی و جالیزی را جانشین کشت پنبه کنند.

کلیاتی درباره دشت ورامین:

دشت ورامین در جنوب شرقی تهران واقع است و یکی از مناطق مهم کشاورزی به شمار می‌رود. جاده‌های فرعی آسفالته روستاهای این شهرستان را به همدیگر و در نهایت به شهرهای مهم وصل می‌کند، همسایگی این شهرستان با تهران تأثیر فراوانی بر اقتصاد و جمعیت آن دارد. ارتفاع ورامین از سطح دریا ۱۰۰۰ متر و متوسط درجه حرارت ۱۶/۲ سانتیگراد است. شهرستان ورامین دارای سه بخش پلشت، جوادآباد و مرکزی است که شامل ۸ دهستان و ۲۱۹ آبادی دارای سکنه و ۶۵ آبادی خالی از سکنه است. جمعیت این شهرستان، مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ برابر ۳۱۵۱۶۰ نفر است که ۵۱٪ آن ساکن نقاط روستایی و بقیه در نقاط شهری سکونت دارند.

اراضی کشاورزی و تولیدات:

دشت ورامین به عنوان بخش مستعد توسعه کشاورزی دارای ۶۳۰۰۰ هکتار اراضی درجه او ۲ مستعد کشت است که از این اراضی امکان به زیر کشت بردن ۵۰۰۰۰ هکتار وجود دارد. سطح زیر کشت فعلی اراضی درجه او ۲ بین ۲۷۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ هکتار است که در صورت فراهم آمدن آب کافی امکان افزایش سطح زیر کشت وجود دارد. در شهرستان ورامین حدود ۷۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ هکتار از اراضی کشت می‌شود که حدود ۷۵ درصد آن مربوط به زراعت‌های سالانه است. در سال ۱۳۶۸ جو آبی با حدود ۲۷۰۰۰ هکتار ۳۷٪ اراضی زیر کشت را به خود اختصاص داده بود. گندم آبی نیز با حدود ۲۴۰۰۰ هکتار و ۳۲٪ اراضی زیر کشت در مقام دوم قرار دارد. سایر محصولات عمده در منطقه عبارت است از محصولات جالیزی، سبزیجات، نباتات علوفه‌ای، دانه‌های روغنی و انگور.

پنبه هم که زمانی یکی از محصولات عمده کشاورزی منطقه بود و در سال ۱۳۴۵ حدود ۶۰۰۰ هکتار از اراضی را به خود اختصاص داده بود به علت افزایش بیشتر قیمت سایر کالاهای کشاورزی و همچنین افزایش دستمزد که به دلیل مکانیزه بودن اغلب مزارع پنبه سهمی از هزینه‌های تولید را به خود اختصاص می‌دهد امروز دیگر مورد توجه کشاورزان نیست و تولید آن کاهش یافته است. به طوری که در سال ۷۱ سطح زیر کشت آن به ۲۳۸۷ هکتار رسیده است^(۱). در صورتی که طبق گزارش وزارت کشاورزی، ورامین یکی از مناطق مستعد کشت پنبه معرفی

شده است^(۳). عملکرد بالای این محصول در ورامین نسبت به عملکرد کل کشور گویای این موضوع است. عملکرد پنبه کل کشور در سال زراعی ۷۰-۷۱، ۱۹۷۳ کیلوگرم در هکتار بوده در حالی که تولید آن در ورامین و در همان سال، بین ۲۵۰۰ - ۳۲۰۰ کیلوگرم در هکتار بوده است.

روش مطالعه:

در این طرح پنبه و همچنین دو محصول گوجه‌فرنگی و بادمجان به عنوان محصولات رقیب و حدود ۱۰۰ تولیدکننده به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند و اطلاعات لازم، با استفاده از روش مشاهده و مصاحبه به کمک پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

نتایج حاصل از بررسی محصول پنبه:

طبق این مطالعه اندازه زمینهای زیر کشت پنبه در نمونه‌های مورد بررسی در ورامین از ۱ تا ۸ هکتار متغیر است. در واقع حدود ۴۷ درصد زمینهای یک هکتاری و بقیه بین ۲ تا ۸ هکتار متغیر است اغلب کشاورزان صاحب زمین‌اند و به صورت نیمه مکانیزه عمل می‌کنند. به اظهار کشاورزان میزان حاصلخیزی منطقه ورامین (به جز قسمتی از آن) برای کشت پنبه مناسب است و مشکل عمده کمبود آب و افزایش دستمزد اظهار شده است. به طور متوسط از هر هکتار کشت پنبه ۳/۲ تن محصول نوع ورامین حاصل می‌شود. حدود ۲۷/۶ درصد از کشتکاران عملکردی بیشتر از سطح میانگین (اغلب در حدود ۳/۵ تن و در یک مورد ۵ تن در هکتار) دارند و عملکرد بقیه کشتکاران کمتر از حد متوسط (۲/۵ تا ۳ تن در هکتار) به طور متوسط ارزش ناخالص تولید از هر هکتار پنبه حدود ۱۶۲۲۰۰۰ ریال است.

درآمد:

درآمد اصلی پنبه ارزش وشی است که تولید می‌شود. درآمد جنبی پنبه هم درآمدی است که از حلف چران پس از برداشت محصول حاصل می‌شود. به طور متوسط ارزش ناخالص تولید در هر هکتار کشت پنبه ۱۶۲۲۰۰۰ ریال و درآمد خالص آن ۷۳۸۴۹۷ ریال می‌باشد. مخارج تولید هر هکتار پنبه ۸۸۳۵۰۳ ریال است که با توجه به عملکرد متوسط ۳/۲ تن در هکتار مخارج تولید هر تن ۲۷۶۰۹۴ ریال محاسبه می‌شود و براساس متوسط قیمت فروش

ارزش ناخالص هر تن پنبه ۵۰۵۰۰۰ ریال می‌باشد. بنابراین درآمد خالص هر تن پنبه ۲۲۸۹۰۶ ریال خواهد بود.

میانگین هزینه‌های تولید پنبه

بررسی میانگین درصد مخارج متغیر تولید نشان می‌دهد که سهم کارگر بیش از سایر مخارج است. ۵۷/۶ درصد از مخارج متغیر را کارگر و ۲۰/۱ درصد آن را هزینه آب تشکیل می‌دهد. علاوه بر این ۶/۸٪ مخارج را ماشین‌آلات و ۳/۶ درصد را کود به خود اختصاص می‌دهد.

نتایج حاصل از بررسی اقتصادی محصول گوجه‌فرنگی:

طبق این مطالعه متوسط سطح زیر کشت محصول گوجه‌فرنگی برای هر زارع بین ۱ تا ۳ هکتار تغییر می‌کند. در واقع حدود ۶۷/۷ درصد مزارع گوجه‌فرنگی یک هکتاری ۱۹/۴ درصد، ۲ هکتاری ۱۲/۹ درصد ۳ هکتاری می‌باشد. این کشاورزان اغلب صاحب زمین می‌باشند. و به صورت نیمه مکانیزه عمل می‌کنند. و به جز مرحله آماده کردن زمین در سایر موارد از ماشین‌آلات استفاده نمی‌کنند.

به‌طور متوسط از هر هکتار گوجه‌فرنگی ۴۶ تن محصول به‌دست می‌آید. حدود ۴۸/۴ درصد از کشتکاران بیش از حد متوسط و ۵۱/۶ درصد کمتر از حد متوسط عملکرد دارند. ارزش ناخالص حاصل از کشت هر هکتار گوجه‌فرنگی ۵۶۳۲۰۰۰ ریال است.

درآمد:

درآمد اصلی کشت گوجه‌فرنگی ارزش محصولی است که تولید می‌شود. درآمد جانبی گوجه‌فرنگی هم درآمدی است که از علف‌چران پس از برداشت محصول حاصل می‌شود. به‌طور متوسط ارزش ناخالص تولید در هر هکتار کشت گوجه‌فرنگی ۵۶۳۲۰۰۰ ریال و درآمد خالص ۳۱۱۵۱۴۴ ریال می‌باشد همان‌گونه که ذکر شد مخارج تولید هر هکتار گوجه‌فرنگی، ۲۵۱۶۸۵۶ ریال محاسبه شده است با توجه به عملکرد متوسط ۴۶ تن در هکتار مخارج تولید هر تن گوجه ۵۴۷۱۴ ریال به‌دست می‌آید و براساس قیمت فروش ارزش* هر تن گوجه

۱۲۲۰۰۰ ریال می‌باشد که در نهایت درآمد خالص هر تن گوجه ۶۷۲۸۶ ریال خواهد بود. بررسی میانگین درصد مخارج متغیر تولید نشان می‌دهد که سهم کارگر بیش از دیگر مخارج می‌باشد. طبق این جدول ۳۶/۶ درصد مخارج هزینه کارگر و ۱۱ درصد هزینه آب و ۸/۹ درصد هزینه تهیه خزانه می‌باشد. علاوه بر این ۱/۷ درصد این مخارج را ماشین‌آلات ۱/۶ درصد را بذر و ۶/۱ درصد را کود به خود اختصاص می‌دهد.

نتایج حاصل از بررسی بادمجان

طبق این مطالعه متوسط اندازه مزارع بادمجان بین ۱ تا ۳ هکتار تغییر می‌کند حدود ۶۱/۵ درصد مزارع یک هکتاری، ۲۰/۵ درصد ۲ هکتاری و ۱۷/۹ درصد ۳ هکتاری است. تمام زارعین صاحب زمین می‌باشند. به طور متوسط از هر هکتار بادمجان حدود ۵۰۰۰ کیلو محصول به دست می‌آید.

حدود ۵ درصد از کشتکاران بیش از حد متوسط و عملکرد بقیه کمتر از حد متوسط است. متوسط درآمد ناخالص از هر هکتار بادمجان ۴۷۲۸۴۱۷ ریال می‌باشد.

درآمد:

درآمد اصلی کشت بادمجان ارزش محصولی است که تولید می‌شود. درآمد جانبی هم نیز از علف‌چران پس از برداشت محصول به دست می‌آید. به طور متوسط ارزش ناخالص تولید در هر هکتار بادمجان ۴۷۲۸۴۱۷ ریال و درآمد خالص هر هکتار ۲۴۹۴۹۰۳ ریال می‌باشد.

مخارج تولید هر هکتار بادمجان ۲۲۳۳۵۱۴ ریال است که با توجه به عملکرد متوسط ۵۰ تن در هکتار مخارج تولید هر تن بادمجان ۴۴۶۷۰ ریال محاسبه شده است. براساس قیمت فروش، ارزش ناخالص هر تن بادمجان ۹۴۰۰۰ ریال می‌باشد. در نتیجه درآمد خالص هر تن بادمجان ۴۹۳۳۰ ریال خواهد شد. بررسی میانگین درصد مخارج تولید نشان می‌دهد که سهم کارگر بیش از دیگر مخارج است. طبق این جدول ۳۵/۶ درصد شامل هزینه کارگر و ۱۹/۱ درصد هزینه بسته‌بندی و حمل ۱۷/۴ درصد هزینه آب می‌شود. علاوه بر این ۱۰ درصد از هزینه‌ها، هزینه خزانه، ۹/۳ درصد کود، ۲/۷ درصد ماشین‌آلات و ۵/۷ درصد را بهره به خود اختصاص می‌دهد.

با توجه به بررسی هزینه و درآمد محصول پنبه، گوجه‌فرنگی و بادمجان به نظر می‌رسد درآمد خالص در هر هکتار گوجه‌فرنگی بیش از بادمجان و بادمجان بیش از پنبه است. (جدول ۱)

جدول شماره ۱: مقایسه درآمد و هزینه تولید محصولات پنبه، گوجه‌فرنگی و بادمجان

بادمجان	گوجه‌فرنگی	پنبه	
۲۲۳۳۵۱۴	۲۵۱۶۸۵۶	۸۸۳۵۰۳	هزینه تولید هر هکتار (ریال)
۴۷۲۸۴۱۷	۵۶۳۲۰۰۰	۱۶۲۰۰۰	درآمد ناخالص هر هکتار (ریال)
۲۴۹۴۹۰۳	۳۱۱۵۱۴۴	۷۳۸۴۹۷	درآمد خالص هر هکتار (ریال)
۴۹۳۳۰	۶۷۲۸۶	۲۲۸۹۰۶	درآمد خالص هر تن (ریال)
۵۰	۴۶	۳/۲	عملکرد (تن)

برای بیان دقیقتر و تعیین اولویت کشت این نوع محصولات از نقطه نظر درآمد، نسبت ارزش تولید به هزینه‌های تولید محاسبه و در جدول ۲ آورده شده است. همان‌طور که در جدول مشخص است درآمد حاصل از ۱۰۰ ریال هزینه تولید در گوجه‌فرنگی بیش از بادمجان و در بادمجان بیش از پنبه است.

جدول شماره ۲: نسبت ارزش خالص تولید به هزینه‌های تولید

محصول	هزینه‌های تولید	ارزش خالص تولید	درآمد حاصل از ۱۰۰ ریال هزینه تولید	اولویت
پنبه	۸۸۳۵۰۳۳	۷۳۸۴۹۷	۸۳	(۳)
گوجه	۲۵۱۶۸۵۶	۳۱۱۵۱۴۴	۱۲۴	(۱)
بادمجان	۲۲۳۳۵۱۴	۲۴۹۴۹۰۳	۱۱۱	(۲)

نتیجه گیری:

تولید در یک بهره‌برداری کشاورزی بستگی به دو عامل دارد:

عوامل فیزیکی و بیولوژیکی از جمله نوع خاک، آب و هو، پستی و بلندی و فاصله تا بازار، امراض و آفات و علفهای هرز موجود در منطقه که در تعیین نوع محصولات مؤثر است. عوامل اقتصادی، برای اینکه کشت و تولید یک محصول مقرون به صرفه باشد لازم است برای آن بازار فروش وجود داشته باشد. مساعد بودن عوامل دسته اول برای تولید و کشت محصولات کافی نیست که تولیدکننده را ترغیب به تولید آن محصول کند. به عبارت دیگر اگر هدف تولیدکننده کسب درآمد باشد علاوه بر عوامل فیزیکی و بیولوژیکی عوامل اقتصادی و بازار فروش محصول را هم در نظر خواهد گرفت. بنا بر این طبق این بررسی زارعین برای حداکثر ساختن سود خود اقدام به تولید بادمجان و گوجه‌فرنگی می‌کنند چرا که این دو محصول بازار مصرف مناسب مانند شهر تهران دارد. با توجه به اینکه شرایط فیزیکی منطقه مورد نظر در مورد کشت پنبه هم بسیار مساعد است ولی در سالهای اخیر به دلیل پایین بودن قیمت خرید تضمینی و ش از کشاورزان نسبت به محصولات جانشین سطح کشت آن کاهش داشته است.

یکی از دلایل ادامه کشت پنبه توسط بعضی از زارعین این است که اصولاً تولیدکننده کشاورزی با شرایط توأم با ریسک مواجه است. باید علاوه بر تحصیل بیشترین درآمد در جهت کاهش ریسک نیز تلاش کرده نوسان درآمد سالیانه خود را به حداقل برساند تا بتواند به موجودیت بهره‌برداری خود دوام بیشتری بدهد لذا با وجود پایین بودن درآمد پنبه نسبت به سایر محصولات به لحاظ اینکه خرید پنبه از طرف دولت تضمین می‌شود زارعین اقدام به کشت پنبه می‌کنند در جایی که قیمت خرید دیگر محصولات بستگی به وضعیت بازار دارد.

از آن جا که کشت و تولید نقش عمده‌ای در اقتصاد کشاورزی کشور دارد و این فعالیت مهم منبع تأمین مواد اولیه صنایعی از قبیل کارخانجات پنبه پاک‌کنی، روغن‌کشی، صابون‌سازی،

رِسندگی و کارخانجات نساجی و علاوه بر این در گذشته مهمترین منبع کسب درآمد ارزی غیرنفتی کشور بود. لذا سیاست قیمتگذاری این محصول و ایجاد امکانات در جهت افزایش کشت پنبه باید ادامه یابد به طوری که کشت و تولید پنبه برای پنبه کاران مانند سایر محصولات سودآور و اقتصادی می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی